

واقعه غدیر خم (استاد جاودان)

نویسنده / سخنران:

حجت الاسلام و المسلمین جاودان

سپس رسول خدا، دست امام علی را بلند نمود تا همه مردم، ایشان را در کنار رسول خدا مشاهده نمودند. (49) در این هنگام رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) از حاضرین پرسیدند: «ای مردم، آیا من از خود شما، بر شما اولی و مقدم تر نیستم؟»...

به تصحیح حجت الاسلام و المسلمین جاودان

واقعه غدیر خم و اهمیت آن⁽¹⁾

سرتاسر حیات طیبه رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و لحظه به لحظه آن در نزد مسلمانان دارای اهمیتی بس شگرف و والاست؛ چراکه نه تنها کلام رسول اکرم به نص صریح آیات قرآن، عاری از هر گونه هوا و هوس و متصل به سرچشمه وحی است (2)، بلکه عمل و فعل آن بزرگوار نیز بر تک تک مسلمانان حجت است و صراط مستقیم را به عالمیان می‌نمایاند. (3) اما در این میان، مقاطعی خاص از زندگی آن بزرگوار، به جهات گوناگون از اهمیتی ویژه برخوردار می‌باشد که یکی از بارزترین آنها، واقعه غدیر خم است. واقعه غدیر از ابعاد مختلف و از جهات متفاوت، دارای درخشندگی و تالائو خاصی در تاریخ اسلام است. کمتر مقطع تاریخی را می‌توان در جهان اسلام یافت که از لحاظ سند، اطمینان از اصل وقوع، کثرت راویان و اعتماد بزرگان و علمای مسلمین، قوت و استحکامی نظیر این رویداد مهم داشته باشد.

هنگامی که به راویان حدیث غدیر می‌نگریم، در مرتبه نخست نام اهل بیت گرامی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) یعنی امام علی (علیه السلام)، فاطمه زهرا (سلام الله علیها)، امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) دیده می‌شود و در مرتبه بعدی نام حدود 110 تن از صحابه پیامبر اسلام (4) به چشم می‌خورد که در این میان، نام افرادی شاخص از میان صحابه همچون:

1- ابوبکر بن ابی قحافه	2- عمر بن الخطاب	3- عثمان بن عفان
4- عایشه بنت ابی بکر	5- سلمان فارسی	6- ابوذر غفاری
7- عمار یاسر	8- زبیر بن عوام	9- عباس بن عبدالمطلب
10- ام سلمه	11- زید بن ارقم	12- جابر بن عبدالله انصاری
13- ابوهریره	14- عبدالله بن عمر بن الخطاب	

و... توجه آدمی را به خود جلب می کند که تمامی آنان در محل غدیر حاضر بوده اند و حدیث غدیر را بدون واسطه نقل نموده اند. سپس در میان تابعین (5)، حدیث غدیر از 83 تن از تابعین نقل شده است که از جمله آنان می توان به:

1- اصبغ بن نباته

2- سالم بن عبدالله بن عمر بن الخطاب

3- سعید بن جبیر

4- سلیم بن قیس

5- عمر بن عبدالعزیز (خلیفه اموی)

و... اشاره نمود.

پس از تابعین، در میان علمای اهل تسنن از قرن دوم تا قرن سیزدهم، 360 تن، حدیث غدیر را در آثار خویش نقل نموده اند که 3 تن از صاحبان صحاح سته (صحاح ششگانه) (6) و دو تن از پیشوایان فقهی اهل تسنن (7) نیز در شمار این بزرگان جای دارند. (8)

در بین محدثین و علمای شیعه نیز افراد فراوانی حدیث غدیر را در کتب مختلف، روایت نموده اند، که تعداد دقیق آنان مشخص نیست. از این اندیشمندان می توان به:

1- شیخ کلینی

2- شیخ صدوق

3- شیخ مفید

4- سید مرتضی

و... اشاره نمود. (9)

بنا بر آنچه که ذکر گردید، در میان بزرگان و محدثین اهل سنت و به دنبال دقت آنان بر روی راویان و طرق متفاوت نقل حدیث غدیر، اندیشمندان بسیاری، حدیث غدیر را حدیثی حسن (10)(11) و عده کثیری روایت غدیر را روایتی صحیح (12) دانسته‌اند (13) و حتی نزد عده‌ای از بزرگترین صاحب‌نظران اهل تسنن، با توجه به شمار فراوان راویان و طرق متعدد نقل حدیث، که روایت غدیر دارد، آنرا حدیثی متواتر (14) ذکر نموده‌اند. (15) علما، بزرگان و محدثین شیعه نیز بالاتفاق، غدیر را حدیثی متواتر می‌دانند. (16)(17)

بر این اساس و بر طبق آنچه که گذشت، به خوبی آشکار می‌گردد یکی از مهمترین وقایع تاریخ پرفراز و نشیب اسلام که در بین عامه مسلمانان، واقعه‌ای مسلم، پذیرفته شده و قطعی تلقی می‌گردد، واقعه غدیر خم است. از منظر دیگر، آنچه که بر گونه غدیر، رنگ جاودانگی می‌زند؛ و اهمیت این واقعه را مضاعف می‌گرداند، نزول 2 آیه از قرآن کریم، یکی آیه 67 سوره مائده (18) و دیگری آیه 3 سوره مائده، (19) در ارتباط با این رویداد بزرگ است که بر طبق نظر مفسران نام‌آور شیعه و سنی، شأن نزول این آیات، مربوط به واقعه غدیر خم می‌باشد. (20)(21) هنگامی که کمی بیشتر در مقایسه مفاد این آیات و لحن آنها با سایر آیات قرآن کریم می‌اندیشیم، درمی‌یابیم اگر نگوییم چنین آهنگ کلامی در میان سایر آیات بی‌نظیر است، لااقل کمتر آیه‌ای را می‌توان یافت که مضامین و لحنی شبیه به این دو آیه داشته باشد. طبیعی است هر مسلمان هنگامی که در تلاوت قرآن بدین دو آیه می‌رسد، شگفت زده از خویش پرسد این چه امر خطیری است که عدم ابلاغ آن توسط پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، زحمات 23 ساله آن حضرت را تباہ می‌گرداند و در این صورت نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) هرگز رسالت خویش را به مردم نرسانده و وظیفه پیامبری را بجای نیاورده است؟ واقعاً این چه پیامی است که خداوند متعال به پیامبر خویش وعده داده است تا او را در زمینه ابلاغ آن، حافظ و نگهدار باشد؟ به علاوه، مگر این موضوع چه اهمیتی دارد که ابلاغ این پیام به امت و پیروی مردم از آن، سبب کامل شدن دین و تمام شدن نعمت و رضایت پروردگار می‌گردد؟

پس دیگر جای هیچ تردیدی باقی نمی‌ماند که روز نزول و ابلاغ این امر مهم و خطیر که بدین واسطه، روز اکمال دین و رضایت پروردگار محسوب می‌گردد، دارای اهمیت بسزایی در میان مسلمین خواهد بود. (22)

از آنچه که گذشت، مشخص می‌گردد علاوه بر مورخان که به تناسب فن خویش (و البته به دلیل اثرات و نتایجی که بر پایه این مطالعه بنا می‌گردد)، به واقعه غدیر نگاهی موشکافانه دارند، (23) غدیر از آن جهت که حدیثی قطعی و متواتر است و کار یک محدث، شناسایی احادیث معتبر و دقت بر روی مفاهیم آنهاست، مورد توجه محدثین است (24) و دارای جایگاهی ویژه در کتب مختلف حدیث می‌باشد. به خاطر نزول 2 آیه ویژه از قرآن کریم درباره این واقعه که القاکننده مفهومی منحصر بفرد و دارای لحنی کم‌نظیر در میان سایر آیات است، غدیر منشأ بحثهای گوناگونی در کتب تفسیری می‌باشد. (25) با تکیه بر مفاهیم این آیات و اثرات شگرف اعتقادی مترتب بر آن، این

واقعه منظور نظر مخصوص متکلمان واقع گشته است. (26) حتی لغویین نیز توجه خاص خویش را به این رویداد مهم معطوف داشته‌اند و به هنگام شرح و توضیح کلمه غدیر خم (که نام محلی است)، به اصل این رویداد اشاره نموده‌اند. (27) ادیبان و شعرای بسیاری در میان امت اسلامی در طول 14 قرن، از همان لحظه وقوع و در همان صحنه گرفته تا روزگار معاصر، همواره این واقعه بزرگ را در آثار و اشعار خویش، توصیف و تشریح نموده‌اند. (28)

آنچه که تاکنون ذکر شد، گوشه‌ای از اهمیت رویداد غدیر خم بود که در حد گنجایش این مقاله، به آن اشاره گردید. ما در این مجال به دنبال جستجو و تحقیق درباره این رویداد بزرگ اسلامی و این بُرهه از حیات رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌باشیم تا هرچه بیشتر و البته با رعایت اختصار، بتوانیم زوایای گوناگون آن را بررسی نماییم. لذا در ادامه، ابتدا اصل واقعه را به گونه‌ای که در بین مسلمین مشهور و مورد اتفاق است، نقل نموده، سپس به بررسی مفاد حدیث غدیر می‌پردازیم و بر روی مفاهیم آن، هرچه بیشتر تأمل می‌نماییم و در انتها نیز نتایجی را که به دنبال واقعه غدیر جلوه گر می‌گردد و مستلزم توجه ویژه مسلمانان می‌باشد، بر می‌شماریم.

واقعه غدیر خم

پیامبر اکرم بنا بر امر الهی، در سال دهم هجرت تصمیم به زیارت خانه خدا و بجا آوردن حج نمودند؛ لذا مردم را از این امر مطلع کردند (29) و حتی برای آگاه نمودن اهالی مناطق مختلف، قاصدانی را به آن شهرها گسیل داشتند. فرستادگان حضرت نیز همانگونه که وجود مقدس رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) خود اعلام نموده بودند، این پیام را به مردم رساندند که این آخرین حج رسول خداست و این سفر دارای اهمیت فراوانی است. هر کس که توانایی و استطاعت آن را دارد، بر او لازم است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) را در این سفر همراهی نماید. گرچه رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) با همراهی عده‌ای از اصحاب خویش پیش از این، اعمال عمره مفرده را انجام داده بودند، (30) اما این نخستین بار و تنها مرتبه‌ای در طول حیات طیبه پیامبر اسلام بود که بنا بر امر الهی، حضرت تصمیم به بجای آوردن و تعلیم مناسک حج گرفتند. پس از این اعلام، جمعیت کثیری در مدینه جهت همراهی با رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و بجای آوردن اعمال حج، مجتمع گشتند. مورخان و صاحب نظران از این سفر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) با عنوان **حجۃ الوداع** (31)، **حجۃ الاسلام**، **حجۃ البلاغ** (32)، **حجۃ الکمال** و **حجۃ التمام** (33) یاد می‌نمایند.

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) با پای پیاده و در حالی که غسل نموده بودند، در روز شنبه 24 یا 25 ذی‌قعدة به همراه همراهان خود و اهل بیت گرامیشان و عامه مهاجرین و انصار و جمعیت کثیری که گرداگرد حضرت اجتماع کرده بودند، به قصد بجای آوردن مناسک حج از مدینه خارج گشتند. تعداد جمعیتی که به همراه حضرت از مدینه خارج شده بودند را بین **70000** تا **120000** (و حتی برخی بیشتر از **120000**) نقل نموده‌اند؛ (34) اما افراد بسیاری به غیر از این عده، نظیر اشخاصی که در مکه مقیم بودند و یا اشخاصی که از شهرهای دیگر خود به مکه آمده

و در آنجا به حضرت ملحق شدند، به همراه پیامبر و با اقتدای به ایشان مناسک حج را در این سفر بجای آورده و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را همراهی نمودند. امام علی، پیش از تصمیم پیامبر برای آوردن مناسک حج، از طرف ایشان برای تبلیغ اسلام و نشر معارف الهی به یمن فرستاده شده بودند؛ اما هنگامی که از تصمیم پیامبر برای سفر حج و لزوم همراهی سایر مسلمین با آن حضرت در این سفر، آگاه گشتند، به همراه عده‌ای از یمن به سمت مکه حرکت نمودند و در آنجا پیش از آغاز مناسک، به رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) ملحق شدند. (35)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و همراهیان آن حضرت، در میقات مسجد شجره مُحَرَّم گشتند و بدین ترتیب اعمال حج را آغاز نمودند. گرچه اصول و کلیات مناسک حج قبلاً و به هنگام نزول آیات مربوطه، توسط رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) توضیح داده شده بود، اما در این سفر، پیامبر این اعمال را به طور عملی برای مردم آموزش داده و جزئیات را برای آنان تبیین نمودند و در مواقف گوناگون، با ایراد خطابه، مردم را نسبت به سایر تکالیف الهی و وظایف شرعی‌شان آگاهی بخشیدند.

سرانجام اعمال حج، پایان یافت و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به همراه جمعیت کثیری که ایشان را همراهی می‌نمودند، شهر مکه را ترک نمودند و رهسپار مدینه شدند که در بین راه به محل غدیر خم رسیدند.

غدیر در لغت به معنای آبریز و مسیل، (36) و غدیر خم در جغرافیا، نام محلی است که به خاطر وجود برکه‌ای در این محل، که در آن آب باران جمع می‌شده است، به این نام (غدیر خم) شهرت یافته است. غدیر در 3 - 4 کیلومتری جحفه واقع شده و جحفه در 64 کیلومتری مکه قرار دارد که یکی از میقاتهای پنجگانه می‌باشد. در جحفه راه اهالی مصر، مدینه، عراق و شام از یکدیگر جدا می‌شود. (37) غدیر خم به علت وجود مقداری آب و چندین درخت کهنسال، محل توقف و استراحت کاروانیان واقع می‌شد اما دارای گرمایی طاقت فرسا و شدید بود. (38)

هنگامی که رسول اکرم در روز 5 شنبه 18 ذی‌الحجه به وادی غدیر خم رسیدند و پیش از جدایی اهالی شام، مصر و عراق از میان جمعیت، جبرئیل امین از جانب خداوند بر ایشان نازل گردید و آیه: «یا ایها الرسول بلغ ما أنزل الیک من ربک فان لم تفعل فما بلغ رسالته و الله یعصمک من الناس» (39) را نازل نمود و از جانب حق تعالی، رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) را امر نمود تا حکم آنچه را که در قبل بر پیامبر درباره امام علی نازل گشته بود، به مردم ابلاغ نمایند. در این هنگام، پیشتازان کاروان و افرادی که جلوتر حرکت می‌نمودند، حوالی جحفه رسیده بودند. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) پس از نزول آیه، دستور توقف کاروانیان را صادر نمودند و امر فرمودند تا آنانی که پیشاپیش حرکت می‌نمودند، به محل غدیر باز گردند و افرادی که در پس قافله، عقب مانده بودند، سریعتر به کاروان در این وادی، ملحق شوند. (40) همچنین به چند تن از صحابه دستور دادند تا فضای زیر چند درخت کهنسال را که در آن محل قرار داشتند، آماده نمایند؛ خارها را از زمین برکنند و سنگهای ناهموار موجود در زیر آن درختان را جمع‌آوری نمایند. در این هنگام، زمان به جای آوردن نماز ظهر فرارسید و رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)

سالم) فریضه ظهر را در گرمای شدید، (41)(42) به همراه جمعیت کثیر حاضر، ادا نمودند. شدت گرما در وادی غدیر به حدی بود که اشخاص، گوشه‌ای از ردا و لباس خویش را برای در امان بودن از شدت تابش آفتاب، بر سر می‌افکندند و مقداری از آنرا برای کاستن از شدت گرمای شنها و سنگها، در زیر پای خویش می‌گسترده‌اند. (43) برای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز پارچه‌ای بر روی شاخسار آن درختان کهن افکندند تا مانعی در برابر حرارت موجود و تابش خورشید، ایجاد نمایند. هنگامی که حضرت از نماز فارغ گشت، از جهاز شتران، در همان محلی که به فرمان رسول خدا توسط صحابه آماده شده بود، منبری ساختند و وجود مقدس پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بر فراز آن در آمدند و شروع به ایراد خطبه، با صدایی بلند و رسا نمودند؛ در حالی که جمعیت فراوان همراه پیامبر، بر گرداگرد حضرت جمع گشته بودند و به سخنان نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) گوش فرا می‌دادند و برخی از افراد نیز برای آنکه همگان از کلام رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) مطلع گردند، سخنان آن حضرت را با صدایی بلند برای افرادی که دورتر قرار داشتند، تکرار می‌نمودند.

خطابه حضرت در میان جمعیت بدین گونه ایراد گردید:

«حمد و ستایش مخصوص خداوند است و از او یاری می‌خواهیم و به او ایمان داریم و از شرور نفسهایمان و زشتیهای کردارمان، به او پناه می‌بریم؛ خداوندی که هدایتگری وجود ندارد برای کسانی که گمراهشان نماید و گمراه کننده‌ای وجود ندارد برای اشخاصی که او هدایتشان نماید و شهادت می‌دهم که جز خدا، معبودی نیست و محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) بنده و فرستاده اوست و اما بعد؛ ای مردم، خداوند لطیف و خبیر (دارای لطف فراوان و بسیار آگاه) مرا خبر داد که من به زودی (به سوی او) فرا خوانده می‌شوم و (دعوت او را) اجابت خواهم نمود. (44) من مسئول هستم و شما نیز مسئولید. پس (درباره دعوت و مسئولیت من) چه می‌گویید؟»

حاضران در پاسخ گفتند: «شهادت می‌دهیم که دعوت خویش را ابلاغ نمودی و نصیحت کردی و کوشش نمودی، پس خداوند شما را جزای خیر دهد.» (45)

سپس رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «آیا شهادت نمی‌دهید که معبودی جز خدا نیست و محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) بنده و فرستاده اوست؟ و (آیا شهادت نمی‌دهید که) بهشت و دوزخ خداوند، حق است و مرگ، حق است و قیامت می‌آید و در آن شکی نیست و خداوند کسانی را که در قبرها هستند مبعوث می‌گرداند؟»

حاضران گفتند: «بله ای رسول خدا، شهادت می‌دهیم.»

سپس در ادامه، رسول اکرم خداوند را بر این امر شاهد گرفتند و از مردم پرسیدند: «آیا (کلام مرا) می‌شنوید؟»

حاضرین گفتند: «بله یا رسول الله.» (46)

پس حضرت فرمودند: « من پیش از شما در کنار حوض (کوثر) حاضر می‌گردم و شما در کنار آن بر من وارد می‌گردید و عرض آن به اندازه فاصله مابین بصری (شهری در حوالی شام) و صنعا (شهری در یمن) می‌باشد. در آن قدهایی به تعداد ستارگان، از جنس نقره است؛ پس بنگرید که پس از من چگونه درباره ثقلین (دو شیء گرانبها) رفتار می‌نماید.»

در این هنگام فردی ندا داد که « ثقلین چه هستند ای رسول خدا؟ »

رسول اکرم فرمودند: « ثقل اکبر کتاب خداست. جانبی از آن به دست خداوند و جانب دیگر آن در دستان شماست. پس به آن متمسک شوید. (آنرا گرفته و از هدایت آن بهره برید.) که اگر به آن تمسک جوید، گمراه نمی‌شوید و ثقل دیگر و کوچکتر، عترت من هستند. خداوند لطیف خبیر مرا خبر داد که این دو ثقل تا هنگامی که در کنار حوض بر من وارد شوند، از یکدیگر جدا نمی‌گردند (47) و من این را از پروردگارم مسئلت نموده‌ام. پس، از این دو پیشی نگیرید که هلاک می‌گردید و از این دو، باز نمانید که هلاک می‌شوید. (48)»

سپس رسول خدا، دست امام علی را بلند نمود تا همه مردم، ایشان را در کنار رسول خدا مشاهده نمودند. (49) در این هنگام رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) از حاضرین پرسیدند: « ای مردم، آیا من از خود شما، بر شما اولی و مقدم تر نیستم؟ » (50) (51)

مردم پاسخ دادند: « بله، ای رسول خدا. » (52)

حضرت در ادامه فرمودند: « خداوند ولی من است و من ولی مؤمنین هستم و من نسبت به آنان از خودشان اولی و مقدم می‌باشم. » (53)

آنگاه فرمودند: « پس هر کس که من مولای او هستم، علی مولای اوست. » (54)، رسول خدا **3** (صلی الله علیه و آله و سلم) بار این جمله را تکرار نمودند (55) و فرمودند: « خداوند، دوست بدار و سرپرستی کن، هر کسی که علی را دوست و سرپرست خود بداند و دشمن بدار هر کسی که او را دشمن می‌دارد (56) و یاری نما هر کسی که او را یاری می‌نماید و به حال خود رها کن، هر کس که او را و او را می‌گذارد. (57)»

سپس خطاب به مردم فرمودند: « ای مردم، حاضرین به غایبین (این پیام را) برسانند. » (58)

هنوز جمعیت متفرق نگشته بودند که بار دیگر جبرائیل نازل شد و از جانب خداوند، آیه: « **أَلْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا** » (59) را بر پیامبر فرو فرستاد. هنگامی که این آیه نازل گردید، نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: « الله اکبر بر کامل شدن دین و تمام گشتن نعمت و رضایت پروردگار به رسالت من و ولایت علی پس از من. » (60)

در این موقع، مردم به امیرمؤمنان، امام علی (علیه السلام) تهنیت گفتند. از جمله کسانی که پیشاپیش سایر صحابه، به امام علیتهنیت گفتند، ابوبکر و عمر بودند. عمر پیوسته خطاب به امیر مؤمنان می گفت: «بر تو گوارا باد ای پسر ابیطالب، تو مولای من و مولای هر مرد و زن با ایمان گشتی.» (61)

در این هنگام، حسّان بن ثابت که از شعرای زبردست بود از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) اجازه خواست تا آنچه را که در این موقف درباره امام علی (علیه السلام) از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) شنیده است، در ضمن ابیاتی بسراید. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «به برکت الهی، بگو.» حسّان، خطاب به بزرگان قریش گفت: «ای بزرگان قریش، سخن مرا به گواهی و امضای پیامبر گوش کنید.» و این چنین سرود:

«در روز غدیر پیامبرشان با بانگ بلند ندایشان در داد، غدیری که در سرزمین خم قرار داشت و ای کاش مردم جهان بودند و رسول خدا را در حال ندا می دیدند که می فرمود: آیا من سرپرست و ولی شما نیستم؟

مردم در پاسخ او بدون هیچ پرده پوشی گفتند: معبود تو، مولای ما و تو ولی ما هستی؛ و تو ای خواننده شعر، اگر در آنجا بودی، حتی یک نفر هم مخالف نمی یافتی.

در این هنگام رو به علی بن ابیطالب کرد و فرمود: یا علی، برخیز که من تو را برای امامت و هدایت خلق بعد از خود (و از جانب خداوند) شایسته دیدم.» (62)(63)

آنچه ذکر شد، خلاصه جریان غدیر بود و همانگونه که در پاورقی ها، با تفصیل ذکر گردید، علمای بزرگ اهل تسنن و تشیع، آنرا نقل نموده اند. به یاری و توفیق الهی در ادامه و در مقاله ای مجزا، به بررسی مفاد حدیث غدیر و دقت هرچه بیشتر در آن خواهیم پرداخت.

پانوشتها:

1- با توجه به کثرت منابعی که حدیث غدیر را ذکر نموده اند و طرق متعدد نقل آن، توجه شما خواننده گرامی را به این نکته جلب می نمایم که نام آن تعداد از مسانید، منابع و اشخاصی را که در شماره های مختلف پاورقی ها مشاهده می نمایید، تنها بخش اندکی از مستندات، مراجع و اشخاصی است که نقل آن قسمت، مستند به آنهاست و به جهت رعایت اختصار، نام تمامی منابع در هر قسمت ذکر نگردیده است.

2- خداوند در آیه 3 و 4 سوره نجم، این امر را ذکر می نماید و می فرماید: "و ما یَنطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ (3) ان هُوَ الا وَحی یوحی (4)" - "هرگز از روی هوای نفس سخن نمی گوید (3) آنچه می گوید، چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست. (4)"

3- یکی از طرقی که مسلمانان بدان وسیله می‌توانند به حکم الهی دست یابند، مطالعه و بررسی سنت نبوی و سیره رسول خداست؛ که از جایگاه ویژه‌ای در بین تمامی مسلمانان جهت دستیابی به اوامر الهی برخوردار است. این مطلب، از آیات مختلف قرآن استفاده می‌گردد. به عنوان مثال، خداوند در آیه 21 سوره احزاب می‌فرماید:

"لقد كان لكم في رسول الله أسوة حسنة لمن كان يرجو الله واليوم الآخر و ذكر الله ذكراً كثيراً"

"مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند."

در این آیه، مسأله اسوه بودن رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به طور مطلق و بدون قید و شرط، از جانب پروردگار، مطرح شده است؛ لذا کلیه شئون رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) اعم از گفتار و رفتار آن بزرگوار را شامل می‌گردد و گفتار ایشان در تمامی موارد، برای پیروان آن حضرت، اسوه می‌باشد و باید در آن امور به حضرت تأسی نمایند. (مگر آن دسته از اموری که از جانب خداوند معین گردیده است که عمل به آنها از مختصات شخص پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌باشد و تبعیت در آن امور، بر سایرین لازم نیست؛ نظیر وجوب نماز شب بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم).)

4- لفظ "صحابه" یا "صحابی" به عده‌ای اطلاق می‌گردد که لااقل در طول عمر خویش، یک بار رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) را ملاقات نموده و از محضر پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، استفاده کرده باشند.

5- "تابعین" کسانی هستند که محضر رسول خدا را درک نموده‌اند، اما مصاحب و همنشین صحابه بوده‌اند.

6- این سه تن عبارتند از:

الف) ابو عیسی، محمد بن عیسی ترمذی در صحیح ترمذی

ب) ابو عبدالرحمن، احمد بن شعیب نسائی در سنن نسائی

ج) ابو عبدالله، محمد بن یزید قزوینی (مشهور به ابن ماجه) در سنن ابن ماجه

7- این دو تن عبارتند از:

الف) ابو عبدالله، احمد بن حنبل شیبانی (پیشوای حنابله)

ب) ابو عبدالله، محمد بن ادریس شافعی (پیشوای شافعیه)

8- ما در این مقاله جهت رعایت اختصار، به ذکر همین مقدار بسنده می‌کنیم. برای مطالعه تفصیلی در خصوص روایان حدیث غدیر در میان صحابه، تابعین و علمای اهل تسنن، به همراه مدارک و جزئیات بیشتر، می‌توانید به کتاب گرانقدر الغدیر، تألیف علامه امینی، جلد اول، صفحه 159-14 مراجعه نمایید.

مرحوم علامه امینی پس از نقل روایان حدیث غدیر، در قسمتهای بعدی الغدیر، نام کتبی را که در میان اهل تسنن به طور مجزا در خصوص واقعه غدیر خم تألیف شده است، برمی‌شمرد و احتجاجات مختلفی را که در طول تاریخ بر

اساس رویداد غدیر صورت گرفته (از جانب بزرگان صحابه و یا حتی برخی خلفای اموی و عباسی و...) نقل می‌نماید و سپس بحث دقیقی را در زمینه مفاد حدیث غدیر و سند آن، طرح می‌کند. در فصول و مجلدات بعدی این کتاب ارزشمند نیز علامه امینی، نام شعرای فراوانی را که در میان امت اسلامی از هنگام وقوع رویداد غدیر تا کنون، این رویداد را در ضمن اشعار خویش نقل نموده‌اند (به همراه ذکر آثارشان) بر می‌شمرد، تا هرچه بیشتر این حقیقت تبیین گردد که غدیر در میان امت اسلامی، فراموش ناشدنی است.

به غیر از کتاب گرانقدر الغدیر، کتب بی‌شمار دیگری نیز نظیر کتاب شریف عبقات الأنوار، تألیف میر حامد حسین هندی (که دارای تفصیل بیشتری نسبت به کتاب الغدیر در باره بحثهای مطرح شده در زمینه سند حدیث غدیر است) و فضائل الخمسة فی صحاح الستة، تألیف علامه فیروز آبادی و... موجود می‌باشد که به بررسی سند و دلالت این حدیث شریف در میان مسلمین پرداخته‌اند.

9- این بزرگان در آثار متعدد خویش حدیث غدیر را نقل نموده‌اند که برای رعایت اختصار، تنها به ذکر یک اثر از هر کدام، که در آن اثر حدیث غدیر روایت شده است، بسنده می‌شود:

الف) شیخ کلینی در کافی

ب) شیخ صدوق در امالی

ج) شیخ مفید در ارشاد

د) سید مرتضی در شافی

10- حدیث حسن، از لحاظ رتبه، در مرتبه بعد از حدیث صحیح قرار دارد و حدیثی است که رجال سند آن، ناشناخته و یا اهل غفلت، کثیر الخطا، متهم به کذب و یا فسق نباشند. (مقدمه ابن صلاح، صفحه 175)

11- از جمله این بزرگان می‌توان به ابو عبدالله گنجی در کتاب کفایة الطالب و... اشاره نمود همچنین عده‌ای دیگر از علمای اهل تسنن برخی از طرق نقل حدیث غدیر را "حسن" دانسته‌اند و برخی از طرق دیگر را صحیح ذکر نموده‌اند، نظیر ابن حجر در کتاب تهذیب التهذیب و...

12- حدیث صحیح از دیدگاه اهل سنت، حدیثی است که دارای سندی متصل و بدون انقطاع تا رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) (و یا شخص دیگری که حدیث از او نقل می‌گردد)، باشد و تک تک راویان آن عادل محسوب شوند و همچنین حدیث دیگری نتوان یافت که دارای مفهومی بر خلاف آن باشد و به طور کلی هیچ‌گونه عیب و نقصی در آن یافت نشود. (مقدمه ابن صلاح)

13- در این میان می‌توان به بزرگانی همچون ابو عیسی ترمذی در صحیح ترمذی (جلد 5، باب 20) (باب مناقب علی بن ابیطالب)، ذیل حدیث (3713) - ابو عبدالله حاکم نیشابوری در مستدرک صحیحین، طبری (بر طبق نقل ذهبی در تذکره الحفاظ، جلد 2، صفحه 713، شماره 728) - شمس الدین ذهبی در کتابی که به طور مجزا درباره حدیث

غدیر تألیف نموده است (و همچنین بنا بر نقل ابن کثیر در البدایة و النهایة، جلد 5، صفحه 229-228 که درباره یکی از طرق نقل حدیث غدیر می‌گوید: قال شیخنا ابو عبدالله ذهبی و هذا حدیث صحیح - شیخ ما ابو عبدالله ذهبی گوید که این حدیث، حدیثی صحیح است.) - ابوالحسن مغزلی در کتاب مناقب به نقل از استادش - ابن حجر هیشمی در صواعق المحرقة (صفحه 43) - ابن عبد البر در الاستیعاب و... اشاره نمود که همگی حدیث غدیر را حدیثی "صحیح" برشمرده‌اند.

14- حدیث متواتر از دیدگاه علم حدیث، به حدیثی گفته می‌شود که به علت کثرت نقل و طرق متعددی که روایت شده است، احتمال خدشه‌دار بودن آن و تبانی بین راویان مختلف بر سر جعل حدیث، از نظر عادی محال باشد. بنابراین حدیث متواتر حدیثی است که قطعاً از جانب رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و یا سایرین، صادر شده است. (تهانوی در قواعد فی علوم الحدیث، صفحه 32 و 33)

15- در میان قدما و علمای سلف اهل تسنن، بزرگانی همچون ذهبی (بر طبق نقل ابن کثیر در البدایة و النهایة، جلد 5، صفحه 233، ذیل یکی دیگر از طرق نقل حدیث غدیر) - جلال الدین سیوطی - شمس الدین جرزی شافعی در کتاب أسنی المطالب و... و در میان معاصرین، اشخاصی همچون ضیاء الدین مقبلی در کتاب الابحاث المسددة فی الفنون المتعددة، شهاب الدین ابوالفیض حَضْرَمی در کتاب تشنیف الآذان و... حدیث غدیر را حدیثی "متواتر" دانسته‌اند.

16- از این میان می‌توان به عنوان نمونه به بزرگانی نظیر: خواجه نصیر الدین طوسی در تجرید الاعتقاد (مقصد خامس، فی الإمامة، صفحه 226) - شیخ طوسی در تلخیص الشافی (جلد 2، صفحه 168) - علامه حلّی در مناہج الیقین (صفحه 475) اشاره نمود. به عنوان مثال، عبارت شیخ طوسی در کتاب تلخیص الشافی اینگونه است: "فإن الشیعة قاطبة تنقله و تواتر به - شیعیان همگی، آن را نقل کرده و متواتر برشمرده‌اند."

17- باید توجه داشت که طرق متعدد و راویان مختلفی که هم اکنون برای حدیث غدیر در کتب گوناگون مسلمین موجود می‌باشد با وجود کثرت کم نظیر آن، تمامی طرق نقل حدیث غدیر نمی‌باشند و شواهد مختلف تاریخی بیانگر این مطلب است که بسیاری از طرق نقل حدیث غدیر و همچنین نام برخی دیگر از راویان آن در طول تاریخ، خواسته یا ناخواسته از بین رفته است و ما هم اکنون به آنها دسترسی نداریم. به عنوان مثال، سلیمان حنفی از علمای اهل تسنن در کتاب ینایع الموده (جلد 1، صفحه 34) از ابی المعالی جوینی (ملقب به امام الحرمین و استاد ابو حامد غزالی) نقل می‌کند که او می‌گفت: در بغداد، کتابی را در دست صحافی مشاهده نمودم که در آن طرق مختلف نقل حدیث غدیر ذکر شده بود و بر روی آن نوشته شده بود که جلد 28 از طرق نقل این گفتار رسول اکرم (ص): "من کنت مولاة فعلی مولاة"، و در پس آن مجلد 29 آن نیز موجود بود. و یا ابن کثیر (از علمای اهل تسنن در قرن 8)، در البدایة و النهایة (جلد 5، صفحه 227) نقل می‌کند که طبری (از علمای بزرگ قرن 4، مورخ صاحب نام اهل تسنن

و صاحب تاریخ و تفسیر طبری) نسبت به این حدیث توجه داشت و 2 جلد کتاب مجزا در زمینه طرق نقل حدیث غدیر و الفاظ آن تألیف نمود. (که در حال حاضر به هیچ یک از این دو کتاب، دسترسی نیست).

18- "یا ایها الرسول بلغ ما أنزل الیک من ربک فان لم تفعل فما بلغت رسالته و الله یعصمک من الناس" "ای پیامبر، آنچه را از ناحیه پروردگارت به تو نازل شد، ابلاغ کن (و برسان) و اگر انجام ندهی (نرسانی)، اصلاً پیغام پروردگار را نرساندی و خدا تو را از (شر) مردم، نگه می‌دارد."

19- "... الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دیناً..." "امروز است که دین شما را کامل نمودم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و دین اسلام را برای شما پسندیدم..."

20- در بین مفسرین و علمای اهل تسنن به عنوان نمونه، می‌توان به افرادی نظیر: محمد بن جریر طبری در کتاب الولاية، ابوالحسن واحدی نیشابوری در اسباب النزول، حاکم حسکانی در شواهد التنزیل و... و در بین مفسرین شیعه می‌توان به عنوان نمونه به بزرگانی همچون شیخ طوسی در تبیان، ثقة الاسلام طبرسی در مجمع البیان، علامه طباطبائی در المیزان و... اشاره نمود که شأن نزول آیه 67 سوره مائده (آیه تبلیغ) را درباره واقعه غدیر ذکر نموده‌اند.

21- در میان مفسرین شیعی، می‌توان به عنوان نمونه به بزرگانی همچون شیخ طوسی در تبیان، ثقة الاسلام طبرسی در مجمع البیان، علامه طباطبائی در المیزان و... و در بین علمای اهل تسنن، می‌توان به عنوان نمونه به افرادی نظیر: محمد بن جریر طبری در کتاب الولاية - حاکم حسکانی در شواهد التنزیل - خطیب بغدادی در تاریخش (جلد 8، صفحه 290) - حموینی در فرائد السمطين و... اشاره نمود که شأن نزول این فراز از آیه 3 سوره مائده (آیه اکمال) را درباره واقعه غدیر ذکر نموده‌اند.

22- بحث و بررسی بیشتر بر روی مفاهیم این دو آیه به طور مجزا در قسمت امامت در قرآن، طرح خواهد شد.

23- در میان این مورخان و از بین مورخان صاحب نام اهل تسنن می‌توان به: مسعودی در مروج الذهب - بلاذری در انساب الأشراف - ابن عساکر در تاریخش - خطیب بغدادی در تاریخش - ذهبی در تذکره الحفاظ - ابن اثیر در أسد الغابۃ - سیوطی در تاریخ الخلفاء - شهرستانی در ملل و نحل و... اشاره نمود. در بین مورخان شیعه نیز می‌توان به عنوان نمونه به اشخاصی همچون یعقوبی در تاریخش، شیخ مفید در ارشاد، طبرسی در إعلام الوری و... اشاره نمود.

24- در بین محدثان فراوانی که حدیث غدیر را در آثار خویش نقل نموده‌اند و در میان اهل تسنن می‌توان به عنوان نمونه به محدثینی نظیر: ابن ماجه در سنن خویش - ترمذی در صحیحش - نسائی در سنن الکبری - امام شافعیه ابو عبدالله محمد بن ادريس شافعی (بر طبق نقل ابن اثیر در کتاب نهایی، جلد 5، صفحه 228) - امام حنابله احمد بن حنبل در مسند و همچنین در کتاب مناقب، اشاره نمود. در بین عده فراوان محدثین شیعه که این حدیث را در کتب روایی خویش نقل نموده‌اند نیز نام بزرگانی همچون شیخ صدوق در کتاب امالی - شیخ کلینی در کتاب کافی - شیخ طوسی در أمالی و... به چشم می‌خورد.

25- در میان مفسرین متعدد اهل تسنن که به تناسب آیات قرآن کریم (اعم از شأن نزول آیات و یا به هنگام تفسیر آنها) به بررسی واقعه غدیر پرداخته‌اند، می‌توان به بزرگانی نظیر طبری- واحدی در اسباب النزول - فخر رازی در التفسیر الکبیر - قرطبی - سیوطی در الدرالمثور و... اشاره نمود و در بین خیل فراوان مفسرین شیعه نیز که غدیر را در کتب تفسیری خویش نقل نموده‌اند، می‌توان از شیخ طوسی در تبیان - طبرسی در مجمع البیان - علامه طباطبائی در المیزان و... یاد نمود.

26- در میان متکلمین اهل تسنن که به تناسب مباحث مطرح شده در علم کلام، ناگزیر، به بررسی واقعه غدیر پرداخته‌اند، می‌توان به سید شریف جرجانی در شرح مواقف - سیوطی در کتاب اربعینش - آلوسی در نثر اللثالی - تفتازانی در شرح مقاصد - قوشجی در شرح تجرید و... اشاره نمود. متکلمین شیعه نیز نظیر خواجه نصیر الدین طوسی در متن تجرید الاعتقاد - علامه حلی در شرح تجرید الاعتقاد - سید مرتضی در الشافی - شیخ طوسی در تلخیص الشافی و... در کتب کلامی ذکر شده به بررسی این واقعه مهم پرداخته‌اند.

27- در میان لغویین و علمای لغت که در کتب خویش متذکر واقعه غدیر شده‌اند، می‌توان به ابن اثیر در نهایه، حموی در معجم البلدان، زبیدی حنفی در تاج العروس و... اشاره نمود.

28- شعرای بسیار فراوانی در طول 14 قرن گذشته در میان سایر فرق اسلامی، واقعه غدیر را در اشعار خویش، متضمن شده‌اند و کمتر رویدادی در میان شعرا این چنین بازتاب گسترده‌ای داشته است. در این بین می‌توان به افرادی همچون حسبان بن ثابت، عمرو عاص، کمیت بن زید اسدی، سید حمیری، دعبل بن علی خزاعی و... اشاره کرد.

29- مدارک اهل تسنن: تاریخ اسلام ذهبی، بخش مغازی، صفحه 701 - المنتظم، جلد 4، صفحه 5 - سیره حلبیه، جلد 3، صفحه 308.

مدارک شیعه: ارشاد، صفحه 91 - إعلام الوری، صفحه 137.

30- یکی از این سفرها، یک سال پس از صلح حدیبیه - که میان مسلمین و مشرکان مکه روی داد - واقع شد.

31- نامگذاری این سفر به حجه الوداع، از آن جهت است که این سفر حج، آخرین سفر حج رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در طول عمر پربرکتشان بوده است و همان‌گونه که پیامبر خود نیز اعلام نموده بودند، پس از این سفر (حدود 2 ماه و نیم بعد)، روح والای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از جسم خاکی مفارقت نمود و در اعلیٰ علین مأوا گرفت.

32- ظاهراً این نامگذاری به علت نزول آیه تبلیغ (آیه 67 سوره مائده) در پایان این سفر و در جریان واقعه غدیر خم بوده است.

33- اینگونه به نظر می‌آید که تناسب این نامگذاری به جهت مفاد آن فراز از آیه 3 سوره مائده می‌باشد که در انتهای این سفر و در محل غدیر خم، بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل گردید.

34- مدارك اهل تسنن: تذكرة خواص الأمة، صفحه 30 - سيره حلييه، جلد 3، صفحه 308 - سيره احمد زيني دحلان، جلد 3، صفحه 3.

مدارك شيعه: احتجاج طبرسي، جلد 1، صفحه 56 (طبرسي تعداد همراهان رسول خدا را 70'000 يا بيشتتر ذكر مي نمايد).

35- مدارك اهل تسنن: صحيح بخاري، جلد 2، باب 81، حديث 2، صفحه 159 و جلد 3، كتاب العمرة، باب عمرة التعميم، صفحه 4 - صحيح مسلم، جلد 4، باب اهللال النبي و هديه، حديث اول، صفحه 59 - البدايه و النهايه، جلد 5، صفحه 227 - سيره حلييه، جلد 3، صفحات 318 و 319 و 336.

مدارك شيعه: ارشاد، صفحه 92 - اعلام الوري، صفحه 138.

36- لسان العرب، ريشه غدر، ذيل كلمه الغدير.

37- معجم البلدان، ذيل كلمه جحفه.

38- ابن خلكان در وفيات الاعيان (جلد 5، صفحه 231) از حازمي نقل مي نمايد: "و هذا الوادي موصوف بكثرة الوخامة و شدة الحر"

"این وادی، به هیچ وجه قابل سکونت نبوده و هوای آن شدیداً گرم می باشد."

39- "ای پیامبر، آنچه را از ناحیه پروردگارت به تو نازل شد، ابلاغ کن (و برسان) و اگر انجام ندهی (نرسانی) اصلاً پیغام پروردگار را نرساندی و خدا تو را از (شر) مردم، نگه می دارد."

40- خصائص نسائی، صفحه 25 (رد من تبعه و لحقه من تخلف).

41- مدارك اهل تسنن: مسند احمد، جلد 4، صفحه 372 - معجم الكبير جلد 5، صفحه 202 و 203، حديث 5092 - البدايه و النهايه، جلد 4، صفحه 385.

42- در لفظ عربي حديث اين گونه ذكر گردیده است كه: "فصلاها بهجير". كلمه هجير بر طبق نقل ابن اثير در كتاب "النهايه" (جلد 5، صفحه 246)، به معنای شدت یافتن گرما در هنگام ظهر است (الهجير و الهجارة: اشتداد الحر نصف النهار)، در نتیجه معنای این سخن آن می گردد كه رسول خدا (صلى الله عليه و آله و سلم) در شرایطی به همراه ساير مسلمانان نماز جماعت بجای آوردند كه هوا به شدت گرم بود؛ همچنين حاكم نيشابوري در "مستدرک صحيحين" (جلد 3، صفحه 533) و طبرانی در "معجم الكبير" (جلد 5، صفحه 171، حديث 4986)، از قول يکي از راويان حديث غدیر نقل می نمایند كه هیچ روزی از لحاظ گرما، شديدتر از روز غدیر بر ما نگذشته بود (ما أتى علينا يوماً كان اشدَّ حرّاً منه). همان طور كه مشخص گشت، گرمای هوا در سرزمین غدیر و به هنگام توقف مسلمين به امر رسول خدا (صلى الله عليه و آله و سلم) بسیار طاقت فرسا و شديد بوده است، بنا بر این يقيناً توقف کاروانيان در

چنان شرایط جوی نامناسب، به فرمان الهی و ابلاغ رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، برای ابلاغ امری بسیار حیاتی، حساس و خطیر به مردم صورت گرفته است.

- 43- مدارک اهل تسنن: ابن مغزلی در مناقب، صفحه 17 - شرح مقاصد تفتازانی، جلد 5، صفحه 273.
- مدارک شیعه: ارشاد، صفحه 94 و 93 - اعلام الوری، صفحه 139 (و کان يوماً قائظاً شدید الحر...)، ان اکثرهم لیلف رداءه تحت قدمیه من شدۀ الرمضاء) - کشف الغمۀ، جلد 1، صفحه 48 - کشف الیقین، صفحه 241 (و کان اکثرهم یشد الرداء علی قدمیه من شدۀ الحر).
- 44- مدارک اهل تسنن: مستدرک صحیحین، جلد 3، صفحه 533 - خصائص نسائی، صفحه 28 (با اندکی اختلاف در لفظ) - کنز العمال، جلد 1، صفحه 187، حدیث 953 و... (کانی قد دعیت فاجبت).
- مدارک شیعه: خصال، جلد 1، صفحه 66 - ارشاد، صفحه 94 (با اندکی اختلاف در عبارت) (انی قد دعیت و یوشک أن أجیب) - اعلام الوری، صفحه 139.
- 45- مدارک اهل تسنن: صواعق المحرقة، صفحه 43 - سیره حلبیه، جلد 3، صفحه 336 - کنز العمال، جلد 5، صفحه 289، حدیث 12911.
- مدارک شیعه: خصال، جلد 1، صفحه 66 - کشف الغمۀ، جلد 1، صفحه 49 و 48 (با اندکی اضافات در عبارت).
- 46- مدارک اهل تسنن: مجمع الزوائد، جلد 9، صفحه 104 و 163 - ابن طلحه شافعی در مطالب السؤل، صفحه 16.
- 47- مدارک اهل تسنن: مستدرک صحیحین، جلد 3، صفحه 109 (با اندکی اختلاف در لفظ) - خصائص نسائی، صفحه 21 (نقل با اختصار) - صحیح مسلم، جلد 7، باب فضائل علی بن ابیطالب، صفحه 123 و 122 (با اندکی اختلاف در لفظ) - معجم الکبیر، جلد 5، صفحه 167 و 166 (حدیث شماره 4971) - کنز العمال، جلد 1، صفحه 189 و 188، حدیث 958.
- مدارک شیعه: خصال، جلد 1، صفحه 67 و 66 (با اندکی اختلاف در عبارت) - کشف الغمۀ، جلد 1، صفحه 50 و 49 (با اندکی اختلاف در عبارت)
- 48- مدارک اهل تسنن: مجمع الزوائد، جلد 9، صفحه 162 و 163 - معجم الکبیر جلد 5، صفحه 167 (حدیث شماره 4971).
- 49- مدارک اهل تسنن: شواهد التنزیل، جلد 1، صفحه 190 (حتی رئی بیاض ابطیه) - خصائص نسائی، صفحه 21 (انه ما کان فی الدوحات احد الا رآه بعینه و سمعه باذنه) - معجم الکبیر، جلد 5، صفحه 166 (حدیث شماره 4969)، (ما کان فی الدوحات احد الا قد رآه بعینه و سمعه باذنه) - کنز العمال، جلد 13، صفحه 104، حدیث 36340: (ما کان فی الدوحات احد الا قد رآه بعینه و سمعه باذنه).

مدارک شیعه: ارشاد، صفحه 94 (پیامبر دو دست امیر المؤمنین را بلند نمود) - إعلام الوری، صفحه 139 - امالی شیخ طوسی، صفحه 247 - خصال، جلد 1، صفحه 311.

50- مفهوم این گفتار نبوی اشاره به آیه 6 سوره احزاب دارد که در آن خداوند می‌فرماید:
"الّنبی اولى بالمؤمنین من انفسهم..."

"پیامبر نسبت به مؤمنین، از خودشان سزاوارتر و مقدم‌تر است." معنای اولویت پیامبر بر مؤمنین نسبت به جانهای آنان را می‌توان بر اساس قرآن کریم و تعالیم معصومین به خوبی دریافت. پروردگار متعال در قرآن مجید آیه 36 سوره احزاب می‌فرماید:

"ما كان لمؤمن ولا مؤمنة اذا قضی الله ورسوله أمرا ان یکون لهم الخیرة..."

"هیچ مرد و زن با ایمانی حق ندارد هنگامی که خدا و پیامبرش امری را لازم بدانند، اختیاری (در برابر فرمان خدا) داشته باشد." بنابراین، چون اوامر الهی و احکام و دستورات نبوی، مبری از هرگونه انحراف و نادرستی است (به علت کمال محض ذات خداوند و مقام عصمت رسول خدا)، و حق محض می‌باشد، لذا نه تنها مؤمنین مأمور به اطاعت همه جانبه از آن می‌باشند، بلکه در برابر آن حتی نباید فکر مخالفت بکنند و یا از حکم خدا و رسول احساس ناخشنودی نمایند؛ بدان معنا که وقتی خداوند و رسول اکرم درباره چیزی، حکمی نمودند، دیگر در آن زمینه، اراده مؤمنین، خواسته‌ها، علائق و تمایلات نفسانی آنان جایی برای بروز و ظهور نخواهد داشت و حکم الهی و فرامین نبوی، نسبت به اراده، خواسته‌ها و تمایلات درونی آدمی، مقدم‌تر و برای اجرا گشتن، سزاوارتر می‌باشد؛ چرا که قطعاً و به طور یقین آدمی را به صراط مستقیم و حق مطلق راهنمایی می‌سازد و از پیمودن مسیر باطل باز می‌دارد. مفهوم اولویت خداوند و رسول او بر مؤمنین نسبت به جانهایشان نیز همین است.

51- مدارک اهل تسنن: صحیح ابن ماجه، باب فضائل اصحاب رسول خدا، باب فضائل علی بن ابیطالب، جلد 1، صفحه 43، حدیث 116 - مسند احمد، جلد 4، صفحه 281 (ألستم تعلمون انی اولى بالمؤمنین من انفسهم) - مستدرک صحیحین، جلد 3، صفحه 110 - ذهبی در تاریخ الاسلام، قسمت عهد خلفاء، صفحات 628 و 631 و 632 (با اندکی اختلاف در لفظ) - البدایة و النهایة، جلد 7، صفحه 386 - مجمع الزوائد، جلد 9، صفحه 104. مدارک شیعه: ارشاد، صفحه 94 (با اندکی اختلاف در عبارت) (ألست اولى بکم منکم بأنفسکم) - إعلام الوری، صفحه 139 (با اندکی اختلاف در عبارت) - خصال، جلد 1، صفحه 311 - تلخیص الشافی، جلد 2، صفحه 167 (ألست اولى بکم منکم بأنفسکم) - امالی شیخ طوسی، صفحه 247 (ألست اولى بالمؤمنین من انفسهم).

52- مدارک اهل تسنن: صحیح ابن ماجه، باب فضائل اصحاب رسول خدا، باب فضائل علی بن ابیطالب، جلد 1، صفحه 43، (حدیث شماره 116) - مسند احمد، جلد 4، صفحه 281 و... - تاریخ اسلام ذهبی، قسمت عهد خلفاء،

- صفحه 632 - البداية و النهاية، جلد 7، صفحه 386 - فرائد السمطين، باب 13 - خطيب بغدادی در تاريخش، جلد 8، صفحه 290 (ألست ولي المؤمنين؟ قالوا بلى) - مناقب خوارزمی، صفحه 94.
- مدارك شيعه: ارشاد، صفحه 94 - خصال، جلد 1، صفحه 311 - تلخيص الشافى، جلد 2، صفحه 167 - امالى شيخ طوسى، صفحه 247.
- 53- مدارك اهل تسنن: مستدرک صحيحين، جلد 3، صفحه 109 (إن الله عز وجل مولاي و أنا مولى كل مؤمن) - البداية و النهاية، جلد 7، صفحه 386.
- مدارك شيعه: كمال الدين، جلد 1، صفحه 276 (با اندكى اختلاف در سياق عبارت) - غيبه نعمانى، صفحه 69 - كشف الغمه، جلد 1، صفحه 318 (أن الله مولاي و أنا مولى المؤمنين).
- 54- مدارك اهل تسنن: صحيح ترمذى جلد 5، باب 20 (باب مناقب على بن ابيطالب)، صفحه 633، حديث شماره 3713 - صحيح ابن ماجه، باب فضائل اصحاب رسول خدا، باب فضائل على بن ابيطالب، جلد 1، صفحه 43 (حديث شماره 116) (فهذا ولي من أنا مولاة) و جلد 1 صفحه 45 (حديث شماره 121) - مسند احمد، جلد 4، صفحه 372 و 281 و ... - مستدرک صحيحين، جلد 3، صفحه 110 و 109 - خصائص نسائى، صفحه 22 - ابن اثير در كتاب نهايه، جلد 5، صفحه 228 - تاريخ ابن كثير، جلد 12، صفحه 219 - صواعق المحرقة، باب 9، حديث 4، صفحه 122 - بخارى در تاريخ الكبير، جلد 1، قسم 1، صفحه 375 - التنبيه و الإشراف، صفحه 221 (با اين اختلاف كه مسعودى واقعه غدیر را پس از بازگشت از صلح حدیبیه نقل می کند).
- مدارك شيعه: اصول كافى، جلد 1، صفحه 295 و 294 و جلد 8، صفحه 27 - ارشاد، صفحه 94 - وسائل الشيعه، جلد 5، صفحه 58 - إعلام الورى، صفحه 139 - تلخيص الشافى، جلد 2، صفحه 167 - أمالى شيخ طوسى، صفحه 227 و 247 و ...
- 55- مدارك اهل تسنن: تاريخ مدينه دمشق، جلد 42، صفحه 229 و 228 - تذكرة خواص الامه، صفحه 29. مدارك شيعه: اصول كافى، جلد 1 صفحه 295 و 294 - أمالى شيخ طوسى، صفحه 247 - كشف الغمه، جلد 1، صفحه 50.
- 56- مدارك اهل تسنن: صحيح ابن ماجه، باب فضائل اصحاب رسول خدا، باب فضائل على بن ابيطالب، جلد 1، صفحه 43 (حديث شماره 116) - مستدرک صحيحين، جلد 3، صفحه 109 - مسند احمد، جلد 1، صفحه 148 و 149 - مسند احمد، جلد 4، صفحه 281 و 372 و 373 و ... - البداية و النهاية، جلد 7، صفحه 386، صواعق المحرقة، باب 9، صفحه 122 (حديث شماره 4) - خصائص نسائى، صفحه 21 و 23 و ...
- مدارك شيعه: اصول كافى، جلد 1، صفحه 295 و 294 - ارشاد، صفحه 94 - أمالى شيخ طوسى، صفحه 254 و 332 - تلخيص الشافى، جلد 2، صفحه 167.

57- مدارك اهل تسنن: مسند احمد، جلد 1، صفحه 118 و 119 - شواهد التنزيل، جلد 1، صفحه 157 - مجمع الزوائد، جلد 9، صفحه 105.

مدارك شيعه: ارشاد، صفحه 94 - خصال، جلد 1، صفحه 66 و جلد 2، صفحه 479 - تلخيص الشافي، جلد 2، صفحه 167.

58- مدارك شيعه: اصول كافي، جلد 1، صفحه 289 - كشف الغمّه، جلد 1، صفحه 50.

59- قسمتي از آيه 3 سوره مائده: "... امروزست كه دين شما را كامل نمودم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و دين اسلام را براي شما پسنديدم..."، به غير از مفسريني كه نام برخي از آنان در پاورقي شماره 21 ذكر شد و شأن نزول اين فراز از آيه را واقعه غدیر دانسته‌اند، مورخين و محدثين گوناگوني نيز شأن نزول اين فراز آيه 3 سوره مائده را واقعه غدیر بر شمرده‌اند كه به عنوان نمونه در ميان مورخين و محدثين اهل سنت مي‌توان به ابن عساکر در كتاب تاريخ مدینه دمشق اشاره نمود. تاريخ مدینه دمشق، جلد 42، صفحه 234 و 233 (3) حديث از ابوهريره) و صفحه 237 (1) حديث از ابو سعيد خدری).

60- مدارك اهل تسنن: شواهد التنزيل، جلد 1، صفحه 158 و 157 - مناقب خوارزمي، صفحه 80.

مدارك شيعه: كمال الدين، جلد 1، صفحه 277 (الله اكبر بتمام النعمه و كمال نبوتی و دين الله عزّ و جلّ و ولايه علي بعدی).

61- مدارك اهل تسنن: مسند احمد، جلد 4، صفحه 281 - تاريخ اسلام ذهبي، قسمت عهد خلفاء، صفحه 633 (أصبحت و أمسيت مولى كل مؤمن و مؤمنه) - ابن اثير در نهايه، جلد 5، صفحه 228 - تاريخ بغداد، جلد 8، صفحه 290 (بخ بخ يا بن ابيطالب، أصبحت مولاي و مولا كل مسلم) - البدايه و النهايه، جلد 7، صفحه 386 (هنيئاً لك يابن ابيطالب، أصبحت اليوم ولي كل مؤمن) - خطيب خوارزمي در مناقب، صفحه 94 - كنز العمال، جلد 13، صفحه 134 (هنيئاً لك يابن ابيطالب، أصبحت و أمسيت مولى كل مؤمن و مؤمنه).

مدارك شيعه: ارشاد، صفحه 94 - إعلام الوري، صفحه 139 - كشف اليقين، صفحه 250.

62- يناديهم يوم الغدير نبيهم
و قال من مولاكم و وليكم؟
إلهك مولانا و انت و ليّنا
فقال له قم يا علي فإنني
بخم فأسمع بالرسول منادياً
فقالوا و لم يبدوا هناك التعادي
و لن تجدنّ منا لك اليوم عاصياً
رضيتك من بعدى اماماً و هادياً

63- مدارك اهل تسنن: تذكرة خواص الامه، صفحه 33 - مناقب خوارزمي صفحه 81 و 80 - فرائد السمطين، جلد 1، سمط 1، باب 12، حديث 40 و 39، صفحه 75 و 74 و 73 - كفايه الطالب، صفحه 64.

مدارك شيعه: ارشاد، صفحه 95 و 94 - إعلام الوري، صفحه 140 و 139 - أمالي صدوق، صفحه 460 (مجلس
84) - خصائص الاثمة، صفحه 42.

منبع: پایگاه اطلاع رسانی حجت الاسلام و المسلمین محمد علی جاودان